

«اعتماد» بررسی می کند

## ورود مجلس به موضوع حذف طرح ترافیک شهر تهران

۱۳

درباره کتاب «پیدایش موسیقی مردم پسند در ایران»

## موسیقی ایرانی از دربار تا بازار

۹

پنجشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۶، ۱۶، ربيع الثانی ۴، ۱۴۳۹، ۲۰، ۴، ۲۰، ۱۸، سال پانزدهم، شماره ۳۹۹۳

# اعتقاد

یادداشت

### گالری به معنای هنر

از ویژگی های دنیای معاصر بدون مرز بودن هنرهای مختلف است. هنرها چنان در هم تنیده شده که گاهی از هم جدا کردن شان سخت می شود. هنرهای تجسمی یکی از این هنرهاست که امروز در کنسرت موسیقی و تئاتر

ندا انتظامی



حضوری فعال دارد. با وجود گستردگی هنرهای تجسمی و ریشه دواندنش در دیگر هنرها اما هنرهای تجسمی همچنان از کمبودهای متعددی رنج می برد. نمونه دم دستی این کمبودها را می توان به کمبود فضای هنری اشاره کرد. شاید بتوان بهترین اتفاق دولت یازدهم را در افزایش تعداد گالری های تجسمی دانست. آسان گرفتن روند مجوز برای این حوزه باعث رونق هنرهای تجسمی شده است. این امر به خود خودی مثبت است، اما این لایه ظاهری افزایش گالری تجسمی است، اگر لایه های دیگر آن را کنار بزنیم به مسائل دیگری می رسیم که با وجود افزایش گالری اما همچنان پابرجاست. به عبارت دیگر مشکل فقط کمبود فضا نیست؛ آشنایی مردم با این هنر و گالری گردی نکته مهمی در این مورد است. اگر سینما رفتن، تئاتر دیدن و کنسرت رفتن امری عادی است، گالری گردی چندان آشنای نیست. البته گالری گردی طرفدارهای خاص خودش را دارد که مستمر و پیگیر فعالیت های هنرمندان این عرصه را رصد می کنند، اما باید گفت که گالری گردی و بالطبع خرید آثار هنری جای خود را چندان بین طیف گسترده مردم باز نکرده است. بخشی از این خلل به دلیل مسائل اقتصادی است. طبیعتا خرید آثار هنری و قیمت های تابلوها با خرید بلیت تئاتر و سینما قابل مقایسه نیست، از سوی دیگر نا آشنایی گالری دارها با این مقوله و تربیت خریدار، بخش مفقود هنرهای تجسمی است. بی شک اقتصاد گالری ها به دانش و سواد گالری دار مر تبط است. مهم است که گالری دار سواد لازم و کافی را داشته باشد تا هم بداند که مخاطب امروز چه نیازی دارد و از سوی دیگر مخاطب گالری ها بداند که صاحب گالری در مقام یک کارشناس هنری است و اصل را فرغ تشخیص می دهد. از همه مهم تر گالری دار در مقام یک کارشناس به خریدار آثار نشان دهد که در کنار هنرمند است نه روبروی هنرمند. به عبارت دیگر او دلال هنر نیست، از این طریق او هم اعتماد خریدار و هم اعتماد هنرمند را کسب می کند.



## گفت و گو با ترانه صادقیان، هنرمند نقاش می خواهیم رها از مفاهیم کار کنم

صبا طاهر بان / اعتماد

از شاخصه های هنر این مرزوبوم است که پس از دوران قاجار محوریت مانده بوده. **■ عنصر حرکت در کارهای شما برجستگی محسوس دارد، تاکید بر این عنصر آیا نتیجه برداشت شما از عناصر نقاشی ایرانی و مطالعات شماست یا این عنصر به خودی خود و حسی در کارتان پیدا شده است؟** حرکت، عنصری پراهمیت از عناصر تصویری است. همین طور که می فرمایید در کارهای من انگار اهمیت ویژه ای هم دارد، اما اینکه آیا اینها همه، با نقشه ای قبلی و بر اساس مطالعه و تحقیق بوده یا به طور حسی در نقاشی ام وارد شده، باید بگویم هر اتفاقی از این دست در کار هنری بیفتد، قطعاً حاصل مشاهدات و تجربیات و مطالعات است، اما در لحظه هایی که دارید کاری را روی بوم یا به هر شکل دیگری انجام می دهید، قطعاً جریان حس است که قوی تر عمل می کند.

**■ فکر می کنید تا چه حد بر گزارای این نمایشگاه با زمینه تاریخی برای رویکرد و توجه دوباره مخاطبان جوان به هویت تاریخی ایرانی موثر است؟** این نمایشگاه نیز، یکی از هزاران است. توقع اینکه تاثیر بزرگی بر هر مسیری داشته باشد، درست نیست؛ اما قطعاً بر مخاطبات تاثیراتی خواهد داشت. به ویژه اینکه اگر مخاطبان، درباره روند به وجود آمدن کارها کنجکاو باشند و کارها را در یافتن باشند. شما برای این کارها، هویتی ایرانی قائل هستید، امیدوارم چنین باشد. باعث خوشحالی ام می شود، اگر این طور باشد و میناقاتی با امروزی بودن و جهانی بودن نداشته باشد، همین اثری است که دوست دارم بر جریان هنر معاصر بگذارم.

**■ دوست دارید با سبک خاصی شناخته شوید یا خودتان نام سبکی در نقاشی را بر اثرها بگذارید؟** ممنون که تیر سیدید سبک شما چیست! قطعاً هر کس زندگی هنری خود سبک یا سبک هایی دارد و زوجی از آن تا حدی برای خود شخص قابل تشخیص است. به نظر من زمانی می توان برای کار کسی سبکی یا سبک هایی قائل شد که زمان قابل توجهی بر او و کارهایش گذشته باشد. درباره کارهایش گفت و گو و متن زندگی شما در هم می پیچند، اینها همه مواردی هستند که برای من هم وجود داشته و دارند. درازای همه اینها در ذهن من فرم هایی به وجود آمد که سعی ام این بود، با امانت تصویرشان کنم. هر کاری بسته به موقعیت ذهنی من به وجود آمده و پاسخی بوده به نیاز به تصویر کشیدن آن موقعیت. حاشیه به موازات چند مجموعه دیگر «این طور که عادت من است» از سال ۱۳۹۱ تا امسال که ۱۳۹۶ است، شکل گرفت.

به روی دیوار رفتن این مجموعه، بیش از آنچه فکر می کردم برابم پیامدهای نیکوداشت. بیش از هر زمان متوجه شدم چگونه یک اثر وقتی روی دیوار می رود تا طی ادبی مخاطب تماشا می کند، مانند این است که به زندگی اش ادامه می دهد، رشد می کند و جایگاه خود را پیدا می کند. نظراتی که از دوستان صاحب نظر دریافت کردم حقیقتاً برابم غرور آفرین و راهگشا بود. به ویژه شنیدن این نظر از یکی از دوستان فرهیخته ام که عقیده داشت: حاشیه به این صورت که در کارهای مجموعه حاضر حاشیه آمده، عنصری ایرانی است و یکی

ناگهان در می یابید با داستان قتل ایرج یکی از تلخ ترین داستان های شاهنامه روبرو هستید اما این منحصراً مستقیم شما را به مناظر و حال و هوایی می برند که لایه دروسی آن را زیسته یا تصور کرده. همچنین تصاویر در خیام، حافظ، نظامی و بسیاری از دیگر شاعران و تاریخ نگاران و ادیبان ما کنجی از مناظر لباس ها، دستارها، صورت های اقوام، تصاویر، آداب خوردن و نوشیدن مهمانی و عزای منازل و اقامتگاه ها و هر آنچه تصویر زندگی در عهد هنرمند بوده هستند. این برای نقاشان و تصویر سازان ایرانی فرصت و غنیمت است.

**■ با توجه به فرمی که به نظر می رسد از فضای داستان سرایانه نقاشی قهوه خانه در کار شما وارد شده همچنین چند ساحتی بودن بر سبکتیو بسیاری از کارهایتان آیا خود را نقاشی روایتگر می دانید یا آنچه در این ساختار می بینیم مربوط به نماد و اسطوره هستند؟** از عادت های من شاهنامه خواندن است و بیشتر در جمع شاهنامه خوانده ام. **■ گاهی فکر می کنم حال و هوایی از اسطوره نیز در کارم به وجود می آید، بدون آنکه این اسطوره ها نامی برای خود داشته باشند.** **■ شما یک هدف و خواست اصلی در زندگی دارید و مقداری حاشیه. گاه این حواشی غالب بر زندگی و هدفتان می شوند، گاه جای اصل کار را می گیرند، گاه متن محکم و قوی زندگی، حواشی را حذف می کند.** **■ زمانی می توان برای کار کسی سبکی یا سبک هایی قائل شد که زمان قابل توجهی بر او و کارهایش گذشته باشد.** **■ ما می توانیم با انجام کار هنری نقاشی، موسیقی و غیره کنار و برای مردم قدمی برای بهبودی اوضاع برداریم. ما تحولی بیش از آنکه می شود تصور کرد، در نهایت صلح و زیبایی می توانیم موجب شویم.**

تا روایتی چه باشد و زاویه دید ما نسبت به اسطوره کدام باشد. نقاشی ما با پیوند و رابطه متقابلی که با ادبیات دارد نوعی روایت تصویری را بنیان نهاده. به وام گرفتن این نگاه به من فرصت می دهد بتوانم روایت دنیای تصویری خود را با نوعی بیان که حاوی عناصری ترکیبی است داشته باشم. گاهی فکر می کنم حال و هوایی از اسطوره نیز در کارم به وجود می آید، بدون آنکه این اسطوره ها نامی برای خود داشته باشند.

**■ در ویستا پلاس گالری که قسمت مجزای کوچکی است در نگارخانه ویستا، در آن قسمت کارهایی از شما با ساختاری مشابه اما متفاوت با کارهای نمایشگاه اصلی دیده می شد ما بیلید توضیحی در مورد آن کارها بدهید؟** علاقه داشتم در این نمایشگاه ببینم کارهایی از نمایشگاه گذشته من ببینم. چرا که فکر کردم از نظر فرم با کارهای حاضر مربوطند در نتیجه به شناخت ساختار زیبایی شناسی کارهای اخیرم کمک می کنند.

فکر مجموعه (ترانه های فرینه) که در سال ۱۳۹۱ به نمایش در آمد، ارتباطی بسود بین خشونت و تزیین که به اشکال گوناگون دیدم. وجود صحنه هایی شبیه شاهنامه های مصور مکتب شیراز در این رابطه بود. شما در این تصاویر ابتدا مسجور زیبایی فرم آن رنگ های پخته اما در خشان ریتم و قلم گیری هایی که به طراحی امروزی نزدیک می شوید. از آن لذت می برید اما

اروایی بودم. آن زمان تصمیم گرفتم با زاویه دیگری به نقاشی ایرانی و کشف ریشه هایش در خودم نگاه کنم. از سال ۱۳۰۲ تا ده سال این نگاه را در زندگی و کارم دنبال کردم و هنوز آثار آن نگاه و تصمیم و آنچه با آن مواجه شدم در جهان تصویری ام هست.

**■ در این میان با سختی و مشکلاتی هم مواجه بودید؟** بله تخصص در این امر که به چه نوع نقاشی امروز می شود «ایرانی» اطلاق کرد، در عین اینکه بسیار مسیر لذت بخشی است، مشکلاتی هم دارد. از جمله اینکه امر تحقیق باعث سردی و خشکی کار نشود. دیگر اینکه منابع فارسی که بتوانند در این زمینه چراغ راهی باشند، به حد کافی وجود ندارند. در واقع در سرزمینی با تنوع اقوام چون ایران معیارهای شناخت نقاشی ایرانی را دریافتن، کاری پیچیده است. باین حال و با در نظر گرفتن خصلت چند فرهنگی در ایران می توان گفت که هر کاری در زمینه نقاشی تا پیش از دوران قاجار در ایران تولید شده دارای خصلت ایرانی است. مشکل گسستی است که پس از آن پیش آمد.

**■ در نمایشگاهی که به تازگی برگزار کردید چند اثر از شاهنامه به نمایش گذاشته بودید؟ همه ما شاهنامه را به نوعی هویت تاریخ ایرانی قلمداد می کنیم و همچنین می دانیم هویت را کسائی حفظ می کنند که شناختی از فرهنگ خود داشته باشند تا چه میزان برای این شناخت ملی تا خلق اثر فکر کردید؟**

از عادت های من شاهنامه خواندن است. بیشتر در جمع شاهنامه خوانده ام. شاهنامه شناس و در هیات شاگرد و گاهی هم در جمع هنر جوانان یا فرزندان و دوستانم شاهنامه خوانده و شنیدم. از لذت هایم خواندن متون قدیم ایران است. در یافته ام که بخش بزرگی از تاریخ تصویری ما در متن های بزرگان ادب ما قابل کشف است؛ مثلاً در شاهنامه تصاویر مناظر اقلیم های مختلف ایران، چهره ها، لباس ها، آداب شادی و اندوه، همچنین بسیاری تصاویر دیگر وجود دارد. در شاهنامه، تصاویری واقعی و فراواقعی موج می زند. هنگامی که فصلی در شاهنامه آغاز می شود، اغلب منظره ای از طبیعت به نوعی وصف می شود که شما در حال و هوای فصل پیش رو قرار می گیرید. در همین پیش در آمده است که فردوسی

اروایی بودم. آن زمان تصمیم گرفتم با زاویه دیگری به نقاشی ایرانی و کشف ریشه هایش در خودم نگاه کنم. از سال ۱۳۰۲ تا ده سال این نگاه را در زندگی و کارم دنبال کردم و هنوز آثار آن نگاه و تصمیم و آنچه با آن مواجه شدم در جهان تصویری ام هست.

**■ در این میان با سختی و مشکلاتی هم مواجه بودید؟** بله تخصص در این امر که به چه نوع نقاشی امروز می شود «ایرانی» اطلاق کرد، در عین اینکه بسیار مسیر لذت بخشی است، مشکلاتی هم دارد. از جمله اینکه امر تحقیق باعث سردی و خشکی کار نشود. دیگر اینکه منابع فارسی که بتوانند در این زمینه چراغ راهی باشند، به حد کافی وجود ندارند. در واقع در سرزمینی با تنوع اقوام چون ایران معیارهای شناخت نقاشی ایرانی را دریافتن، کاری پیچیده است. باین حال و با در نظر گرفتن خصلت چند فرهنگی در ایران می توان گفت که هر کاری در زمینه نقاشی تا پیش از دوران قاجار در ایران تولید شده دارای خصلت ایرانی است. مشکل گسستی است که پس از آن پیش آمد.

**■ در نمایشگاهی که به تازگی برگزار کردید چند اثر از شاهنامه به نمایش گذاشته بودید؟ همه ما شاهنامه را به نوعی هویت تاریخ ایرانی قلمداد می کنیم و همچنین می دانیم هویت را کسائی حفظ می کنند که شناختی از فرهنگ خود داشته باشند تا چه میزان برای این شناخت ملی تا خلق اثر فکر کردید؟**

از عادت های من شاهنامه خواندن است. بیشتر در جمع شاهنامه خوانده ام. شاهنامه شناس و در هیات شاگرد و گاهی هم در جمع هنر جوانان یا فرزندان و دوستانم شاهنامه خوانده و شنیدم. از لذت هایم خواندن متون قدیم ایران است. در یافته ام که بخش بزرگی از تاریخ تصویری ما در متن های بزرگان ادب ما قابل کشف است؛ مثلاً در شاهنامه تصاویر مناظر اقلیم های مختلف ایران، چهره ها، لباس ها، آداب شادی و اندوه، همچنین بسیاری تصاویر دیگر وجود دارد. در شاهنامه، تصاویری واقعی و فراواقعی موج می زند. هنگامی که فصلی در شاهنامه آغاز می شود، اغلب منظره ای از طبیعت به نوعی وصف می شود که شما در حال و هوای فصل پیش رو قرار می گیرید. در همین پیش در آمده است که فردوسی

اروایی بودم. آن زمان تصمیم گرفتم با زاویه دیگری به نقاشی ایرانی و کشف ریشه هایش در خودم نگاه کنم. از سال ۱۳۰۲ تا ده سال این نگاه را در زندگی و کارم دنبال کردم و هنوز آثار آن نگاه و تصمیم و آنچه با آن مواجه شدم در جهان تصویری ام هست.

**■ در این میان با سختی و مشکلاتی هم مواجه بودید؟** بله تخصص در این امر که به چه نوع نقاشی امروز می شود «ایرانی» اطلاق کرد، در عین اینکه بسیار مسیر لذت بخشی است، مشکلاتی هم دارد. از جمله اینکه امر تحقیق باعث سردی و خشکی کار نشود. دیگر اینکه منابع فارسی که بتوانند در این زمینه چراغ راهی باشند، به حد کافی وجود ندارند. در واقع در سرزمینی با تنوع اقوام چون ایران معیارهای شناخت نقاشی ایرانی را دریافتن، کاری پیچیده است. باین حال و با در نظر گرفتن خصلت چند فرهنگی در ایران می توان گفت که هر کاری در زمینه نقاشی تا پیش از دوران قاجار در ایران تولید شده دارای خصلت ایرانی است. مشکل گسستی است که پس از آن پیش آمد.

**■ در نمایشگاهی که به تازگی برگزار کردید چند اثر از شاهنامه به نمایش گذاشته بودید؟ همه ما شاهنامه را به نوعی هویت تاریخ ایرانی قلمداد می کنیم و همچنین می دانیم هویت را کسائی حفظ می کنند که شناختی از فرهنگ خود داشته باشند تا چه میزان برای این شناخت ملی تا خلق اثر فکر کردید؟**

از عادت های من شاهنامه خواندن است. بیشتر در جمع شاهنامه خوانده ام. شاهنامه شناس و در هیات شاگرد و گاهی هم در جمع هنر جوانان یا فرزندان و دوستانم شاهنامه خوانده و شنیدم. از لذت هایم خواندن متون قدیم ایران است. در یافته ام که بخش بزرگی از تاریخ تصویری ما در متن های بزرگان ادب ما قابل کشف است؛ مثلاً در شاهنامه تصاویر مناظر اقلیم های مختلف ایران، چهره ها، لباس ها، آداب شادی و اندوه، همچنین بسیاری تصاویر دیگر وجود دارد. در شاهنامه، تصاویری واقعی و فراواقعی موج می زند. هنگامی که فصلی در شاهنامه آغاز می شود، اغلب منظره ای از طبیعت به نوعی وصف می شود که شما در حال و هوای فصل پیش رو قرار می گیرید. در همین پیش در آمده است که فردوسی

